



مرور مطالب پایه هفتم و هشتم

درس اول

۱۴ صیغه فعل ماضی + ضمائر

غایب			
مؤنث		مذکر	
مفرد	هِيَ ذَهَبَتْ: رفت یک زن	مفرد	هُوَ ذَهَبَ: رفت یک مرد
مثنی	هُمَا ذَهَبَتَا: رفتند دو زن	مثنی	هُمَا ذَهَبَا: رفتند دو مرد
جمع	هُنَّ ذَهَبْنَ: رفتند چند زن	جمع	هُمْ ذَهَبُوا: رفتند چند مرد
مُخَاطَب			
مؤنث		مذکر	
مفرد	أَنْتِ ذَهَبْتِ: رفتی تو یک زن	مفرد	أَنْتَ ذَهَبْتَ: رفتی تو یک مرد
مثنی	أَنْتُمَا ذَهَبْتُمَا: رفتید شما دو زن	مثنی	أَنْتُمَا ذَهَبْتُمَا: رفتید شما دو مرد
جمع	أَنْتُنَّ ذَهَبْتُنَّ: رفتید شما زنان	جمع	أَنْتُمْ ذَهَبْتُمْ: رفتید شما مردان
مُتَكَلِّم			
مَعَ الْغَيْرِ	نَحْنُ ذَهَبْنَا: رفتیم	وَحْدَهُ	أَنَا ذَهَبْتُ: رفتم



۱۴ صیغه فعل مضارع + ضمائر

غایب			
مؤنث		مذکر	
مفرد	هِيَ تَذْهَبُ : می رود یک زن	مفرد	هُوَ يَذْهَبُ : می رود یک مرد
مثنی	هُمَا تَذْهَبَانِ : می روند دو زن	مثنی	هُمَا يَذْهَبَانِ : می روند دو مرد
جمع	هُنَّ يَذْهَبْنَ : می روند زنان	جمع	هُمْ يَذْهَبُونَ : می روند مردان
مُخَاطَب			
مؤنث		مذکر	
مفرد	أَنْتِ تَذْهَبِينَ : می روی یک زن	مفرد	أَنْتَ تَذْهَبُ : می روی یک مرد
مثنی	أَنْتُمَا تَذْهَبَانِ : می روید دو زن	مثنی	أَنْتُمَا تَذْهَبَانِ : می روید دو مرد
جمع	أَنْتُنَّ تَذْهَبْنَ : می روید زنان	جمع	أَنْتُمْ تَذْهَبُونَ : می روید مردان
مُتَكَلِّم			
وحده	أَنَا أَذْهَبُ : می روم	مَعَ الْغَيْرِ	نَحْنُ نَذْهَبُ : می رویم



کلمات پرسشی

مثال: مَنْ فِي الصَّفِّ؟ چه کسی در کلاس است؟	مَنْ (چه کسی، کیست)	مثال: أَنْتَ تَلْمِذٌ؟ آیا تو دانش آموز هستی؟	أَنْتَ (آیا)
مثال: مَنْ هُوَ مُدِيرُ الْمَدْرَسَةِ؟ مدیر مدرسه کیست؟	مَنْ هُوَ / مَنْ هِيَ (کیست)	مثال: هَلْ هَذَا صَدِيقُكَ؟ آیا این دوست توست؟	هَلْ (آیا)
مثال: لِمَنْ هَذَا الْكِتَابُ؟ این کتاب مال کیست؟	لِمَنْ (مال چه کسی)	مثال: مَا هَذَا؟ این چیست؟	مَا (چه، چیست)
مثال: مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟ اهل کجا هستی؟	مِنْ أَيْنَ (از کجا، اهل کجا)	مثال: مَاذَا فِي يَدِكَ؟ چه چیزی در دست توست؟	مَاذَا (چه چیزی، چیست)
مثال: أَيْنَ ذَهَبْتَ؟ کجا رفتی؟	أَيْنَ (کجا)	مثال: مَا هُوَ فَوْقَ الْمِنْضَدَةِ؟ روی میز چیست؟	مَا هُوَ / مَا هِيَ (چیست)
مثال: أَيُّ جَوَابٍ صَحِيحٌ؟ کدام جواب صحیح است؟	أَيُّ (کدام)	مثال: لِمَاذَا خَرَجْتَ مِنَ الصَّفِّ؟ چرا از کلاس خارج شدی؟	لِمَاذَا (چرا)
مثال: كَمْ عَدَدُ زُمَلَائِكَ؟ تعداد همکلاسی هایت چند نفر است؟	كَمْ (چند، چقدر)	مثال: مَتَى تَذْهَبُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ؟ چه وقت به مدرسه می روی؟	مَتَى (چه وقت، کی)
		مثال: كَيْفَ حَالُكَ؟ حالت چطور است؟	كَيْفَ (چگونه)



اعداد اصلی و ترتیبی

اعداد شمارشی (اصلی):			
واحد	اثنان	ثلاثة	أربعة
خمسة	ستة	سبعة	ثمانية
تسعة	عشرة	أحد عشر	اثنا عشر
ثلاثة عشر	أربعة عشر	خمسة عشر	سبعة عشر
سبعة عشر	ثمانية عشر	تسعة عشر	عشرون
اعداد ترتیبی:			
الأول	الثاني	الثالث	الرابع
الخامس	السادس	السابع	الثامن
التاسع	العاشر	الحادي عشر	الثاني عشر



فصل‌ها - رنگ‌ها و روزهای هفته

فصل‌ها

الشتاء	الخريف	الصيف	الربيع
			

رنگ‌ها

الأخضر : سبز	الأزرق : آبی	الأحمر : قرمز
الأبيض : سفید	الأسود : سیاه	الأصفر : زرد

روزهای هفته

الثلاثاء (سه شنبه)	الاثنين (دوشنبه)	الاحد (یکشنبه)	السبت (شنبه)
	الجمعة (جمعه)	الخميس (پنجشنبه)	الاربعاء (چهارشنبه)



سه حرف اصلی و وزن کلمات

درس دوم

به سه حرف اصلی هر کلمه (حروف اصلی) یا (ریشه) آن کلمه می‌گویند. در کلمات هم‌خانواده، سه حرفی که در همه آنها مشترک است (حروف اصلی یا ریشه) آن کلمات، می‌باشند.

مثال: سه حرف اصلی همه کلمات زیر، (ش، ه، د) می‌باشد. (شاهد - مشهود - شهید - مشهد - شهادة - شهود و ...)

نکته: به حروفی غیر از سه حرف اصلی که در کلمات وجود دارند (حروف زائد) می‌گویند.

حروف اصلی کلمه‌ها به ترتیب با سه حرف (ف ع ل) سنجیده می‌شوند.

م	ش	ا	ه	د	ة
م	ف	ا	ع	ل	ة

نکته: به آهنگ هر کلمه در هنگام تلفظ، (وزن) آن کلمه می‌گویند.

مثال: وزن فاعل: شاهد - جاهد - کاتب - جامد و ...

وزن مفعول: محمود - مشهود - مکتوب - مقتول و ...

وزن فعیل: کریم - شریف - حمید - شهید و ...

وزن مفاعلة: مجاهدة - مشاهدة - مسافرة - مکالمة و ...

یک نکته برای ترجمه: وزن (فاعل) به معنای (انجام‌دهنده یا دارنده حالت) است. مثال: ظالم: ظلم‌کننده شاهد: بیننده

وزن (مفعول) به معنای (انجام‌شده) است. مثال: مکتوب: نوشته‌شده مشهود: دیده‌شده

تمرین:

۱- حروف اصلی، وزن و ترجمه کلمات زیر را بنویسید.

نام کلمات	حروف اصلی	وزن	ترجمه
صالح			
عالم			
ناظر			
مظلوم			
مشهود			
مسجود			



۲- وزن کلمات زیر را بنویسید.

وزن	نام کلمات
	أَعْلَمَ
	يُعَلِّمُ
	جَاهِدَ
	اجْتَهَادَ
	اسْتِخْدَامَ

روش ساختن فعل امر

دروس سوم و چهارم

فعل امر را از فعل مضارع می‌سازیم. به این صورت که اول و آخر فعل مضارع را دستکاری می‌کنیم. اگر آنچه که باقی می‌ماند قابل خواندن باشد، فعل امر ساخته شده است و اگر قابل خواندن نباشد، به اول آن (اِ یا اُ) اضافه می‌کنیم.

مثال: تُعَلِّمُ ← عَلَّمَ ← چون قابل خواندن است، پس فعل امر ساخته شده است.

تُعَلِّمَانِ ← عَلَّمَا ← چون قابل خواندن است، پس فعل امر همین است.

مثال: تَعَلِّمُ ← عَلِّمُ ← چون قابل خواندن نیست، در ابتدای کلمه، (اِ) می‌آوریم (اعلِّمُ).

تَعَلِّمُونَ ← عَلِّمُوا ← چون قابل خواندن نیست، در ابتدای کلمه، (اِ) می‌آوریم (اعلِّمُوا).

مثال: تَكْتُبُ ← كُتِبَ ← چون قابل خواندن نیست، در ابتدای کلمه، (اُ) می‌آوریم (اُكْتُبُ).

تذکر مهم: حرکت (اِ یا اُ) باتوجه به دومین حرف اصلی فعل است. اگر (/ یا /) باشد، (اِ) می‌آوریم و اگر (ُ) باشد، (اُ) می‌آوریم.

تذکر: نون جمع مؤنث، هرگز حذف نمی‌شود. مثال: تَذْهَبْنَ ← اَمْرٌ ← اِذْهَبْنَ

تمرین:

۱- فعل‌های مضارع زیر را تبدیل به فعل امر کنید.

الف) تَقَدَّمَ: د) تَجَلَّسَ:

ب) تَجَاهَدَ: ه) تَذَهَّبَانِ:

ج) تَرَجَّعُونَ: و) تَكْتَبْنَ:

ز) تَكْتَبِينَ:



روش ساختن فعل نَهی

دروس پنجم و ششم

فعل نَهی را از فعل مضارع می‌سازیم. به این صورت که در اول آن (لا) ی نَهی می‌آوریم و آخر فعل مضارع را دستکاری می‌کنیم (ساکن یا حذف نون).

مثال: تَذْهَبُ (می‌روی) نَهی ← لَا تَذْهَبُ (نرو)

تَذْهَبِينَ (می‌روی) نَهی ← لَا تَذْهَبِينَ (نرو)

تَكْتُبَانِ (می‌نویسید) نَهی ← لَا تَكْتُبَانِ (ننویسید)

تذکر: نون جمع مؤنث، حذف نمی‌شود. مثال: تَكْتُبْنَ نَهی ← لَا تَكْتُبْنَ (ننویسید)

تذکر مهم: یک نوع (لا) داریم که فقط معنای فعل مضارع را منفی می‌کند و فعل مضارع را به نَهی تبدیل نمی‌کند. این نوع (لا) آخر فعل مضارع را هیچ تغییری نمی‌دهد. این همان لای نَفی است.

مثال: تَذْهَبُ (می‌روی) نَفی ← لَا تَذْهَبُ (نمی‌روی)

تَذْهَبِينَ (می‌روی) نَفی ← لَا تَذْهَبِينَ (نمی‌روی)

تَكْتُبَانِ (می‌نویسید) نَفی ← لَا تَكْتُبَانِ (نمی‌نویسید)

توجه: به فعل مضارعی که در اول آن (لا) ی نَفی آمده باشد، مضارع منفی می‌گویند.

تمرین:

۱- از فعل‌های مضارع زیر، فعل نَهی بسازید.

الف) تَجَلِبُ (می‌آوری) نَهی ←

ب) تَقْدِرُ (می‌توانی) نَهی ←

ج) تَغْسِلَانِ (می‌شوید) نَهی ←

د) تَهْرُبِينَ (فرار می‌کنی) نَهی ←

ه) تَجْلِسُونَ (می‌نشینید) نَهی ←

و) تَلْعَبْنَ (بازی می‌کنید) نَهی ←

۲- از فعل‌های مضارع زیر، فعل نَفی (مضارع منفی) بسازید.

الف) يَلْعَبُ (بازی می‌کند) نَفی ←

ب) يَرْجِعَانِ (برمی‌گردند) نَفی ←

ج) تُدْرِسُونَ (درس می‌دهید) نَفی ←

د) تَخْرُجِينَ (خارج می‌شوی) نَفی ←

ه) تَحْمِلْنَ (حمل می‌کنید) نَفی ←

و) تَعْمَلُ (انجام می‌دهی) نَفی ←



ترکیب وصفی و ترکیب اضافی

درس هفتم

ترکیب وصفی از دو کلمه تشکیل شده است که یکی موصوف و دیگری صفت است.

مثال: الطَّالِبُ النَّاجِحُ (دانش آموز موفق)

أَثْرٌ تَارِيخِيٌّ (اثری تاریخی)

ترکیب اضافی نیز از دو کلمه تشکیل می شود ، اما کلمه دوم صفت نیست و کلمه اول را توصیف نمی کند. بلکه به آن اضافه شده یا نسبت داده می شود. به کلمه اول (مضاف) و به کلمه دوم (مُضَافٌ إِلَيْهِ) می گویند.

مثال: طَالِبُ الْمَدْرَسَةِ (دانش آموز مدرسه) ← در اینجا ، مدرسه برای دانش آموز ، صفت نیست.

کتابُ التَّلْمِيزِ (کتاب دانش آموز) ← در اینجا ، دانش آموز برای کتاب ، صفت نیست.

يك نکته جالب : يادتون نره! کلمه اول که مضاف است ، هرگز نباید اولش (ال) یا آخرش (تَنوِينٌ) داشته باشد.

مثال: حَقِيبَةُ الْمُعَلِّمِ (کیف معلم) (در اینجا حَقِيبَةُ مضاف است و نمی تواند اولش ال یا آخرش تنوین بگیرد).

يك نکته جالب تر : هرگاه ضمیری به آخر اسم چسبیده باشد ، مضاف و مضاف الیه داریم. یعنی آن ضمیر مضاف الیه است.

مثال: كِتَابُكَ (کتاب مضاف و كَ مضاف الیه است).

کتابي (کتاب مضاف و ي مضاف الیه است).

تذکر مهم : گاهی در يك عبارت ، هم مضاف و مضاف الیه داریم و هم موصوف و صفت. در این حالت ، همیشه کلمه اول هم مضاف است و هم موصوف و کلمه دوم که ضمیر است مضاف الیه و کلمه سوم صفت است.

مثال: مَدْرَسَتُنَا الْكَبِيرَةُ (مدرسه بزرگ ما) مَدْرَسَةٌ : مضاف و موصوف نا: مضاف الیه الْكَبِيرَةُ : صفت

اگر به ترجمه مثال فوق دقت کنید ، می بینید که در ترجمه فارسی جای مضاف الیه و صفت عوض شده است. یعنی به جای (مدرسه ما بزرگ) به صورت (مدرسه بزرگ ما) ترجمه کرده ایم.

مثالی دیگر: كِتَابِي الْمَفِيدُ (کتاب مفید من) کتاب : مضاف و موصوف ي: مضاف الیه الْمَفِيدُ : صفت

تمرین :

۱- در عبارات زیر ، مضاف الیه و صفت را مشخص کنید.

(الف) نَادَتِ الْأُمُّ طِفْلَهَا الصَّغِيرَ :

(ب) دَخَلْتُ غُرْفَتِي الْكَبِيرَةَ :

(ج) شَجَعْنَا جُنُودَنَا الْأَقْوِيَاءَ :

(د) رَجَعْنَا مِنْ سَفَرَتِنَا الْعِلْمِيَّةِ :



ماضی استمراری

درس هشتم

فعل ماضی استمراری فعلی است که در زمان گذشته ، چند بار تکرار شده باشد (استمرار داشته باشد).

* روش ساختن فعل ماضی استمراری در فارسی :

می + فعل ماضی مثال : می + رفت = می رفت

می + رفتم = می رفتم

می + رفتی = می رفتی

می + رفتند = می رفتند

* روش ساختن فعل ماضی استمراری در عربی :

صیغه های کان + صیغه های فعل مضارع :

مثال : کانَ يَذْهَبُ (می رفت) ، کانتَ تَذْهَبُ (می رفت)

کانا يَذْهَبانِ (می رفتند) ، کانتا تَذْهَبانِ (می رفتند)

کانوا يَذْهَبونَ (می رفتند) ، کُنَّ يَذْهَبْنَ (می رفتند)

يك نکته جالب : ممکن است بین (کان) و فعل مضارع در جمله فاصله بیافتد ولی باز هم ماضی استمراری به حساب می آید.

مثال : کانَ الطُّلَّابُ يَدْرُسُونَ بِدِقَّةٍ. (دانش آموزان با دقت درس می خوانند).

ماضی استمراری

يك نکته جالب تر : قبلاً یاد گرفتیم که اگر فعل در اول جمله بیاید ، به صورت مفرد می آید ، هر چند که فاعل یا انجام دهنده آن مثنی یا جمع باشد.

مثال : ذَهَبَ الطُّلَّابُ اِلَى الْمَدْرَسَةِ. (دانش آموزان به مدرسه رفتند).

در مورد فعل (کان) نیز همین طور است.

مثال : کانَ اللَّاعِبُونَ يَلْعَبُونَ فِي الْمَلْعَبِ (بازیکنان در ورزشگاه بازی می کردند)

تمرین :

۱- گزینه مناسب را انتخاب کنید.

الف) کانَ يَرْكَبُ : (سوار شد) سوار می شود سوار می شد

ب) كُنْتُ اَرْجِعُ : (برمی گردم) برمی گشتم برگشتم

ج) كانوا يَزْرَعُونَ : (می کاشتند) می کارند کاشته بودند

د) الطُّلَّابُ يَكْتُبُونَ واجباتِهِمْ : (کان) كانوا كُنْتُمْ

هـ) الطُّلَّابُ يَكْتُبُونَ واجباتِهِمْ : (کان) كانوا كُنْتُمْ



۲- با توجه به ترجمه داده شده، فعل‌های زیر را ترجمه کنید.

الف) أَنْقَذَ (نجات داد) : كَانُوا يُنْقِذُونَ :

ب) حَاوَلَ (تلاش کرد) : كُنْتُ أُحَاوِلُ :

ج) سَاعَدَ (کمک کرد) : كُنْتُمْ تُسَاعِدُونَ :

د) صَنَعَ (ساخت) : مَا صَنَعُوا :

هـ) كَتَبَ (نوشت) : سَوْفَ تَكْتُبِينَ :

و) اِسْتَعْلَى (کار کرد) : سَيَسْتَعْلَانُ :

ز) كَتَمَ (پنهان کرد) : لَا يَكْتُمُ :

ک) ذَهَبَ (رفت) : لَا تَذْهَبُ :

ل) خَرَجَ (خارج شد) : أُخْرِجُوا :

م) رَجَعَ (برگشت) : اِرْجِعِي :



رنگها - میوه‌ها و ساعت خوانی

درس نهم

رنگ‌ها		
آبی (الْأَزْرَق)	سیاه (الْأَسْوَد)	صورتی (وَرْدِيّ - زَهْرِيّ)
قرمز (الْأَحْمَر)	نارنجی (بُرْتُقَالِيّ)	سُرمه‌ای (كَحْلِيّ)
زرد (الْأَصْفَر)	بنفش (بِنَفْسَجِيّ)	زرشکی (أَحْمَر غَامِق)
سبز (الْأَخْضَر)	قهوه‌ای (بُنِّيّ)	نوک‌مدادی (رِصَاصِيّ)
سفید (الْأَبْيَض)	طوسی (رِمَادِيّ)	

میوه‌ها			
سیب (التُّفَّاح)	بادام (الْلُّوز)	گیلاس (الْكَرَز)	خربزه (الْبَطِيخ)
پرتقال (الْبُرْتُقَال)	موز (الْمَوْز)	کیوی (الْكِيوِي)	شلیل (الْنَكْتَارِين)
انگور (العِنْب)	توت (التُّوت)	لیمو (الْلِّيمُون)	هلو (الْخَوْخ)
زردآلو (الْمِشْمِش)	شاه‌توت (توت الشُّوكِي)	نارنگی (الْأَفَنْدِي)	گلابی (الْإِجَاس)
کشمش (الزَّبِيب)	أنجیر (التَّيْن)	أنبه (الْحَاجِجُو)	آناناس (الْأَنَانِاس)
آلو (الْبُرْفُوق)	أنار (الرُّمَّان)	به (الْسَّفْرَجَل)	توت‌فرنگی (الْفَرَاوِلَه)
هندوانه (الْبَطِيخُ الْأَحْمَر)	خیار (الخِيَار)	طالبی (شَمَام)	خُرمَا (التَّمْر)
هویج (الْجَزَر)	فندق (الْبَنْدَق)	خرمالو (كَاكِي)	



ساعت خوانی

در عربی عددِ ساعت را بر وزنِ (الْفَاعِلَةُ) می گوئیم. مثال: الْخَامِسَةَ (ساعت ۵)
الرَّابِعَةَ (ساعت ۴)

مثال برای ساعتِ کامل: السَّاعَةُ السَّادِسَةُ تَمَاماً (ساعت ۶)

السَّاعَةُ التَّاسِعَةُ تَمَاماً (ساعت ۹)

مثال برای نیم و رُبُع: السَّاعَةُ الثَّلَاثَةُ وَ النِّصْفُ (ساعت سه و نیم)

السَّاعَةُ الْوَاحِدَةُ وَ الرُّبُعُ (ساعت یک و رُبُع)

مثال برای یک رُبُع مانده: السَّاعَةُ السَّابِعَةُ الْارْبَعَاءُ (ساعت یک رُبُع به هفت)

السَّاعَةُ الْعَاشِرَةُ الْارْبَعَاءُ (ساعت یک رُبُع به ده)

تمرین:

۱- جای خالی را با کلمه مناسب کامل کنید.

الف) لَوْنُ الرَّمَانِ (أخضرُ أحمرُ أصفرُ)

ب) لَوْنُ السَّحَابِ (أزرقُ أحمرُ أبيضُ)

ج) لَوْنُ دَمِ الْإِنْسَانِ (أسودُ أصفرُ أحمرُ)

د) لَوْنُ المَوْزِ (أصفرُ أبيضُ أخضرُ)

۲- ساعت های زیر را به عربی بنویسید.

الف) ساعتِ یک رُبُع مانده به چهار:

ب) ساعتِ سه و چهل و پنج دقیقه:

ج) ساعتِ نه و نیم:

د) ساعتِ ده تمام:

ه) ساعتِ یک و نیم:



اعداد شمارشی (اصلی)			
واحد	اِثْنَان	ثَلَاثَة	أَرْبَعَة
خَمْسَة	سِتَّة	سَبْعَة	ثَمَانِيَة
تِسْعَة	عَشْرَة	أَحَدَ عَشْرَ	إِثْنَاءَ عَشْرَ
ثَلَاثَة عَشْرَ	أَرْبَعَة عَشْرَ	خَمْسَة عَشْرَ	سِتَّة عَشْرَ
سَبْعَة عَشْرَ	ثَمَانِيَة عَشْرَ	تِسْعَة عَشْرَ	عِشْرُونَ
اعداد ترتیبی			
الأوّل	الثّانی	الثّالث	الرّابع
الخامس	السادس	السّابع	الثّامن
التّاسع	العاشر	الحادی عشر	الثّانی عشر

تمرین :

۱- در جای خالی ، عدد ترتیبی مناسب بگذارید.

- (الف) شهر فی السنّة الإيرانيّة شهرُ فروردین. (أوّل □ ثالث □ رابع □)
- (ب) ألیومٌ من آیامِ الأسبوعِ ، یومُ الثلاثاء. (أوّل □ ثالث □ رابع □)
- (ج) نحنُ فی الصّفِّ فی هذه السنّة الدّراسیّة. (التّاسع □ العاشر □ التّاسع □)

۲- اسم‌های مثنی و جمع را در جای خالی مناسب خود بنویسید. (هر کدام سه مورد)

- حدّادون - اخوة - شاکرات - شیئین - طائرّین - طالبات - فریقین - مؤمنون - کُتب
- فاکهتان - لاعبین - ناجحات - أشجار - شرطیان - رُکعتین

جمع مذکر سالم :

جمع مؤنث سالم :

جمع مکسّر :

مثنای مذکر :

مثنای مؤنث :